

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۱

ساعت برگزاری: ۹ صبح شماره: ۱۷ مدت پانگهلی: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

مهر مدرسه

کد طلایی:

کد امتحان:	۲۴۰۲۲/۰۹
تاریخ آزمون:	۱۴۰۲/۰۴/۰۶
عنوان:	فلسفه ۳
کتاب:	کلیات فلسفه (علی شیروانی)
محدوده:	از ابتدای درس ۲۶ (قانون علیت) تا پایان کتاب (ص ۴۸۱-۲۴۶)
حذفیات:	به استثناء دروس ۳۵-۳۱ (ص ۲۲۸-۲۹۰) ۴۳-۴۰ (ص ۴۰۵-۳۷۳) درس ۴۵ تا پایان کتاب (ص ۴۸۱-۴۲۹)

کهاز نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- این عبارت تعریف کدام گزینه است؟ «هو ما يتوقف المعلول على عدمه بعد وجوده» ص ۲۵۱

- الف. علت حقیقی
- ب. علت صوری
- ج. علت فاعلی
- د. علت معدّ

۰/۵

۲- کدام گزینه در مورد سنخیت میان علت و معلول غلط است؟ ص ۲۵۸

- الف. حیثیت واحدی وجود دارد که مرتبه نازله آن در معلول و مرتبه کامله آن در علت است
- ب. علت و معلول باید کمال وجودی یکدیگر را بعینه داشته باشند
- ج. هر علتی در مرتبه عالی تری واجد کمال معلول خود است
- د. وجود معلول، مرتبه نازله وجود علت است

۰/۵

۳- کدام یک از شرایط محال بودن تسلسل نیست؟ ص ۲۶۸-۲۶۷

- الف. اجزاء نامحدود سلسله بالفعل موجود باشند نه بالقوه.
- ب. اجزاء نامحدود سلسله همزمان وجود داشته باشند.
- ج. بین اجزاء سلسله رابطه علی و معلولی باشد.
- د. اجزاء سلسله از دو طرف نامحدود باشند.

۰/۵

۴- فاعلیت خداوند در نزد متکلمان، حکمای اشراقی، حکمای مشائی و اصحاب حکمت متعالیه به ترتیب از کدام نوع است؟ ص ۲۷۴-۲۷۶

- الف. فاعل بالقصد - فاعل بالرضا - فاعل بالعنايه - فاعل بالتجلی
- ب. فاعل بالرضا - فاعل بالعنايه - فاعل بالقصد - فاعل بالتجلی
- ج. فاعل بالعنايه - فاعل بالقصد - فاعل بالتجلی - فاعل بالرضا
- د. فاعل بالقصد - فاعل بالرضا - فاعل بالتجلی - فاعل بالعنايه

۰/۵

۵- از نظر علامه طباطبائی^(ه) کدام نوع حرکت در خارج تحقق دارد؟ ص ۳۴۲

- الف. حرکت از امور انتزاعی است و در خارج تحقق ندارد
- ب. حرکت قطعی و متوسطیه
- ج. حرکت متوسطیه
- د. حرکت قطعی

۰/۵

۶- کدام گزینه در مورد صفت فعلی خداوند درست است؟ ص ۴۱۹-۴۱۸

- الف. باید امری بیرون از ذات خداوند فرض شود تا واجب تعالی به صفات فعلی متصف گردد.
- ب. صفات فعلی خداوند مانند خود خداوند به زمان و مکان مقید نمی‌شوند.
- ج. مبدء همه صفات فعلی، خالقیت حق تعالی است.
- د. صفات فعلی خداوند قابل سلب و ایجاب نیستند.

۷- قانون علیت را توضیح داده و آن را اثبات فرمایید. ص ۲۴۸-۲۴۶

جواب: از ادله اثبات قانون علیت، یعنی این قضیه که ماهیت در وجود و عدم خود به غیر نیازمند است، از دو مقدمه تشکیل می‌شود: مقدمه نخست: ماهیت نمی‌تواند وجود و یا عدم را برای خود رجحان دهد و یکی از آن دو را برای خود متعین سازد. مقدمه دوم: ترجیح بدون مرجح محال است. نتیجه: ماهیت در وجود و عدم خود نیازمند به عاملی بیرون از ذات خویش است تا وجود یا عدم را برای آن رجحان دهد. تبیین مقدمه نخست: وجود و عدم، هر دو زاید بر ماهیت است و ماهیت نسبت به هیچ یک از آنها اقتضایی ندارد. ماهیت در مرتبه‌ی ذات خود و آن گاه که به تنهایی و بدون هیچ ضمیمه‌ای لحاظ می‌شود، نه موجود است نه معدوم. مثلاً انسان از آن جهت که انسان است و در مرتبه‌ی ذات، جز انسان، یعنی حیوان ناطق، چیز دیگری نیست. لذا ذات انسان نه اقتضای موجود بودن دارد و نه اقتضای معدوم بودن. تبیین مقدمه دوم: مقدمه دوم اصلی بدیهی است و مفادش آن است که اگر نسبت یک شیء به دو چیز یکسان باشد، محال است یکی از آن دو چیز، خود به خود و بدون دخالت هیچ عاملی، برای آن شیء رجحان یابد و متعین شود. با توجه به دو مقدمه فوق گفته می‌شود: ماهیت برای آنکه موجود یا معدوم باشد، یعنی برای آنکه یکی از وجود یا عدم برایش متعین گردد و رجحان یابد، نیازمند به عامل بیرونی است؛ چرا که خودش صلاحیت مرجح بودن ندارد و ترجیح بدون مرجح نیز محال است.

۸- چرا وجود معلول عین احتیاج به علت و در نتیجه عین ربط به آن است؟ توضیح دهید. ص ۲۵۸-۲۵۷

جواب: واقعیت و هستی معلول همان رابطه‌اش با علت است، نه چیز دیگر. ایجاد علت و وجود معلول دو مفهوم است که از یک واقعیت به دو اعتبار انتزاع شده است. بنابراین، هستی معلول چیزی جز اضافه و ربط به علت نیست و در نتیجه تعلق و وابستگی به علت، در ذات و هویت آن نهفته است، پس اگر ارتباط معلول با علت لحظه‌ای قطع شود و از بین برود واقعیت و هستی معلول از بین می‌رود؛ چرا که واقعیت معلول چیزی جز همان ارتباط با علت نیست. خلاصه آنکه وجود معلول نسبت به علت، رابط است و تمام هویت معلول عین ربط به علت است، نه آنکه معلول وجودی داشته باشد که آن وجود محتاج و نیازمند به علت بوده باشد، به‌گونه‌ای که وجود چیزی باشد و نیاز به علت چیز دیگری باشد؛ زیرا مستلزم آن است که معلول ذاتاً نیازمند به علت نباشد و نیازمندی به علت امری عارضی و زاید بر ذات آن بوده باشد که صحیح نیست. وقتی ثابت شد وجود معلول نسبت به علت رابط است، روشن می‌شود که معلول هرگز منفک از علت و بدون علت نمی‌تواند تحقق یابد؛ زیرا وجود رابط همواره نیازمند وجود مستقلی است که به آن قوام دهد و آن را پابرجا نگه دارد، بنابراین وجود علت در ظرف وجود معلول ضروری و واجب است.

۹- علت غائی را تعریف کنید و فرق آن در فاعل ارادی و فاعل طبیعی را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۲۸۴-۲۸۲

جواب: علت غایی عبارت است از کمال آخری که فاعل در فعل خودش بدان توجه دارد. فاعلهایی که از روی علم و آگاهی کار انجام می‌دهند، پیش از انجام فعل، به غایت آن علم دارند و لذا وجود علمی غایت در این مورد پیش از فعل تحقق دارد، اما وجود خارجی غایت، پس از فعل و مترتب بر آن است. ما اگر انسان را در فعالی که از وی اختیاراً صادر می‌شود در نظر بگیریم، می‌بینیم که انسان مادامی که غایتی را تصور نکند، یعنی وجود ذهنی غایتی برایش حاصل نشود، اراده کاری برایش پیدا نمی‌شود و همین که غایت و فایده‌ی کار در ذهنش منقش شد، آن وقت است که میل و اراده‌اش منبعث می‌گردد و فعل از وی صادر می‌شود. اما در مورد فاعل‌های طبیعی که افعالشان متوقف بر علم و اراده‌ی آنها نیست، غایت همان چیزی است که فعل بدان منتهی می‌گردد. حکمای الهی معتقدند هر نوعی از انواع موجودات تکوینی مسیر خاصی به سوی کمالات خویش دارند و یک رابطه‌ی وجودی میان آنها و آن کمالات برقرار است، به گونه‌ای که در نهاد و طبیعت و سرشت آنها اقتضا و توجه و طلب آن کمالات نهفته است. انواع گوناگون موجودات، شوق و اشتیاق ذاتی به سوی کمالات خویش دارند و همین شوق و اشتیاق به سوی آن کمالات است که آنها را به سوی خاصی روانه می‌کند و در جهت خاصی به راه می‌اندازد. دانه‌ی سیب که در زمین کاشته می‌شود راه معینی را در پیش می‌گیرد و به سوی هدف خاصی توجه دارد، نطفه‌ی حیوان نیز همی‌گونه است و همه‌ی اشیاء طبیعت مشمول این قاعده‌ی عام و کلی هستند.

۱۰- «کل حادث زمانی فانه مسبوق بقوه و ماده تحملها» را توضیح دهید. ص ۳۳۰

جواب: مسبوق بودن پدیده به قوه و ماده؛ هر پدیده‌ای که در مقطع خاصی از زمان تحقق می‌یابد و به اصطلاح حادث زمانی است وجودش مسبوق به قوه و استعداد و امکان است: کل حادث مسبوق بقوه و ماده تحملها. بر این اساس اثبات می‌شود پدیده‌های مادی که وجودشان ازلی نیست، همیشه از پدیده‌ی مادی دیگری که حامل قوه و استعداد آن پدیده‌ی دومند، به وجود می‌آیند. به دیگر سخن: محال است که پدیده‌ای مادی، از عدم و نیستی محض به وجود آید و وجودش کاملاً ابداعی و بی‌سابقه باشد.

۱۱- چرا قدما حرکت در جوهر را نمی‌پذیرفتند ولی صدرالمتألهین آن را ضروری می‌دانند؟ توضیح دهید. ص ۳۶۲-۳۶۱

جواب: فلاسفه‌ی اسلامی تا پیش از زمان صدرالمتألهین، بر آن بودند که حرکت اختصاص به اعراض دارد و وقوع حرکت در جوهر ناممکن است. عمده دلیلی که ایشان در این عقیده‌ی خویش بدان استناد می‌کنند، از دو مقدمه تشکیل می‌شود: ۱- حرکت در صورتی می‌تواند تحقق یابد که موضوع ثابت در طول حرکت باقی و مستمر باشد؛ ۲- اگر جوهر شیء دستخوش تغییر و دگرگونی شود، چنین موضوع ثابتی وجود نخواهد داشت. این بیان که گاهی از آن با تعبیر «شبهه‌ی بقاء موضوع» یاد می‌شود، سبب اصلی انکار حرکت جوهری تا پیش از زمان صدرالمتألهین بوده است. حاصل این بیان آن است که حرکت عبارت است از «خروج تدریجی شیء از قوه به فعل».

اثبات حرکت جوهری: یکی از روشن‌ترین ادله‌ی وقوع حرکت در جوهر با مقدمات زیر شرح داده می‌شود: ۱- در برخی از اعراض، حرکت و تحول روی می‌دهد؛ ۲- علت این اعراض متغیر همان طبایع و صورت‌های نوعی است که در موضوع این اعراض منطبق است؛ ۳- علت یک پدیده‌ی متغیر باید خودش

متغیر باشد. از این مقدمات سه‌گانه به دست می‌آید که تمام اجسام، مادامی که در اعراض آنها حرکت و تحول روی می‌دهد، جوهر و ذاتشان نیز مشمول تغییر و تحول است و نیز حرکت در اعراض جز در سایه‌ی حرکت در جوهر امکان‌پذیر نیست و ثبات جوهر شیء نه تنها مبین حرکت اعراض آن نیست، بلکه با فرض ثابت بودن جوهر شیء، حرکت در اعراض به هیچ وجه تبیین نخواهد بود. حرکت در اعراض در واقع نمود و نشانی از حرکت در جوهر شیء است.

۱۲- «لامؤثر فی الوجود الا الله تعالی» را توضیح دهید؟ ص ۴۰۹-۴۰۷

جواب: راه دوم برای اثبات توحید در خالقیت (توحید افعالی) بیان می‌شود بر اساس اصول حکمت متعالیه و با نظر به حقیقت هستی است و مقدمات عمده‌ی آن بدین شرح است: ۱- وجود معلول فی غیره رابط است؛ وجودی است که هیچ استقلالی از خود ندارد و عین تعلق به علت است. ۲- اگر سلسله‌ای از علت‌ها و معلول‌ها را در نظر بگیریم، حلقه‌های میانی اگرچه نسبت به معلول خود، بهره‌ای از استقلال دارند، اما این استقلال نسبی است؛ چرا که همان شیء عین ربط و تعلق به علت خودش است. ۳- وجود رابط از خود هیچ حکمی ندارد و هر حکمی به آن نسبت داده شود، برای وجود علت و متقوم به او می‌باشد. ۴- ملاک و معیار علیت و ایجاد، استقلال در وجود است؛ وجودی که عین ربط به غیر است، هرگز نمی‌تواند ایجاد کننده و وجود دهنده به غیر باشد. ۵- سلسله موجودات معلول به واجب تعالی منتهی می‌شود و تنها اوست که استقلال مطلق در هستی دارد. از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که خدای متعال فاعلی است که در مبدأ بودن برای اشیاء به طور مطلق، مستقل است و در ایجاد و علیتش قائم به ذات خود است و هیچ وابستگی به غیر خود ندارد و تنها اوست که به حقیقت معنای کلمه تأثیر می‌کند. هیچ مؤثری در عالم هستی جز او نیست و غیر او هر چه هست تنها از استقلال نسبی برخوردار است و این استقلال هم در واقع از شئون استقلال واجب است، نه آنکه استقلالی مستقل و برای خود باشد؛ چرا که معلول از خود هیچ حکمی ندارد، پس لامؤثر فی الوجود الا الله تعالی.

۱۳- چرا صفات ذاتی حقیقی واجب خارجاً و مصداقاً عین ذات واجب و نیز عین یکدیگر هستند؟ توضیح دهید. ص ۴۲۶

جواب: نظر درست در نحوه اتصاف واجب تعالی به صفات حقیقی مانند علم و قدرت و حیات، همان نظر حکمای الهی است، یعنی صفات واجب تعالی خارجاً و مصداقاً عین ذات الله است و هر کدام نیز عین یکدیگرند. برهان صدق این نظر آن است که: ۱- واجب تعالی مبدأ و علت همه کمالات بوده و همه کمالات هستی از او سرچشمه گرفته و معلول ذات اوست. ۲- علت هستی بخش در مرتبه‌ی ذات واجد همه کمالات معلول‌های خود به نحو اعلی و اتم و اشرف است. ۳- ذات اقدس واجب، بسیط محض است و هیچ‌گونه ترکیبی در آن راه ندارد. از مقدمات فوق که هر کدام در محل خود به اثبات رسیده است، به خوبی به دست می‌آید که اولاً واجب تعالی در مرتبه‌ی ذات واجد همه صفات کمالی است، ثانیاً این صفات موجب کثرت ذات و باعث ترکیب آن نمی‌شوند، بلکه هر یک از این صفات عین ذات و تمام ذات است و ثالثاً هر کدام از این صفات عین یکدیگرند.